

خطر اندیشه فمینیستی و نهادهای آن برخانواده وزن

(ترجمه)

امروزه اندیشه فمینیسم (جنبش زن محور) در سراسر جهان گسترش یافته است؛ از جمله در جهان اسلام و با شعارهایی چون «برابری جنسیتی»، «مبارزه با زن ستیزی (میزوژینی)» و «رد نظام مردسالار و ساختارهای قدرت» شناخته می شود. به تدریج، فعالان فمینیست در میان زنان مسلمان نیز جایگاهی برای خود یافته اند. بسیاری از حاکمان سرزمین های اسلامی نیز با این جریان برخوردی مثبت و پذیرنده داشته اند و کوشیده اند تا برخی از مفاهیم آن را در سیاست های رسمی دولت بگنجانند.

برای نمونه، در اردن، در پایان ماه جنوری ۲۰۲۲، مجلس نمایندگان با اصلاحاتی در قانون اساسی موافقت کرد. در ماده ششم این قانون آمده است: «اردنی ها در برابر قانون برابرند و هیچ تفاوتی میان آنان از نظر حقوق و تکالیف وجود ندارد، هرچند در نژاد، زبان یا دین متفاوت باشند». در حالی که نسخه پیشین قانون اساسی تنها به عبارت «شهروندان اردنی» اکتفا کرده بود. این تغییر، در هماهنگی با هدف رسمی دولت اردن برای دستیابی به «برابری جنسیتی تا سال ۲۰۳۰» صورت گرفته است.

گسترش اندیشه های فمینیستی در جهان اسلام برای فمینیست ها و دولت های غربی امری بسیار مهم و راهبردی به شمار می آید؛ زیرا شمار زنان مسلمان در سراسر جهان به حدود ۸۰۰ میلیون نفر می رسد و شماری از سازمان های فمینیستی در خاورمیانه فعالیت دارند، در حالی که بخش عمده آن ها در آسیا و هند متمرکزند. بی تردید، رواج این شبکه فمینیستی در جهان اسلام را نمی توان جدا از افول فهم درست امت از اسلام دانست. هرگاه اندیشه اسلامی در میان امت تضعیف شود، پیامد آن افزایش رفتارهای نادرست با زنان است، به جای آن که زن را مورد حمایت، تکریم و مراقبت قرار دهد. این عقب نشینی از فهم اصیل اسلام، زمینه ساز بروز رفتارهای زن ستیزانه و ظلم های مردانه علیه زنان می گردد؛ رفتارهای که هیچ ارتباطی با تعالیم اسلام ندارند. بسیاری از این اعمال، آمیخته با رسوم قبیله ای و فرهنگ های محلی اند که به نادرستی با اسلام درهم آمیخته و به آن نسبت داده می شوند. درست همین امر است که باعث رنج و ستم مضاعف بر زنان مسلمان می شود.

تا چندی پیش، در شماری از سرزمین های اسلامی هنوز ممنوعیت های برای تحصیل زنان در مکاتب و پوهنتون ها وجود داشت و همچنین اشتغال زنان در بخش های دولتی مانند آموزش، بازارها، خدمات ملکی یا فعالیت های سیاسی و اجتماعی، ممنوع یا به شدت محدود بود. دولت های غربی، سازمان ملل و جریان های فمینیستی، از این وضعیت بهره بردند تا اسلام را دینی زن ستیز معرفی کنند. آنان این واقعیت های اجتماعی را به گونه ای چارچوب بندی کردند که گویا تعالیم اسلام خود حاوی نفرت از زنان است. اسلام نظام مردسالاری را توجیه می کند، به مرد حق سلطه بر زن می دهد و مقام زن را پایین تر از مرد قرار می دهد. در نتیجه، این افول درک درست از اسلام در میان مسلمانان، سبب شد برخی افراد بخواهند از تعالیم اسلامی فاصله بگیرند و احساس کنند که اسلام جای امنی برای زن نیست. چنین تصویری در ذهن بسیاری شکل گرفت که اسلام مروج فرهنگ مردسالاری، زن ستیزی، سلطه جویی و تبعیض جنسیتی است.

در نهایت، زنان و جوامع اسلامی، گام به گام به پذیرش افکار فمینیستی نزدیک شدند تا آن جا که بسیاری از آنان شروع کردند به مطالبه برابری جنسیتی به همان شکلی که فمینیست ها آن را طراحی و برنامه ریزی کرده اند. این انقلاب زنانه در جهان اسلام با پاسخ مثبت و حمایت گسترده جنبش های فمینیستی غربی روبه رو شد و پژواک آن در سراسر جهان طنین انداخت. در این میان، موارد خشونت علیه زنان؛ چنان که در ایران، افغانستان و برخی سرزمین های اسلامی دیگر مشاهده می شود، به عنوان ابزار تبلیغاتی علیه اسلام به کار گرفته شد. فمینیست ها با برجسته سازی نام برخی از زنان مسلمان، آنان را به عنوان نماد «آزادی زن از سیاست های سرکوبگر» در جهان اسلام معرفی کردند. به تدریج، این جنبش فمینیستی توانست جایگاهی در میان زنان مسلمان برای خود بیابد.

فعالان فمینیست از این موج جدید با عنوان «بهار عربی زنان» یاد می کنند و از عربستان سعودی به عنوان نمونه شاخص از کشوری در خاورمیانه یاد می نمایند که درهای خود را به سوی فرهنگی بازتر نسبت به زنان گشوده است. در عربستان، زنان نه تنها اجازه یافتند (پس از سال ها ممنوعیت)،

رانندگی کنند. بلکه دولت این کشور برگزاری کنسرت‌ها، نمایش‌های موسیقی و رویدادهای گسترده‌ای را مجاز دانست که در آن‌ها اختلاط زن و مرد صورت می‌گیرد.

افزون بر آن، عربستان اعلام کرد که پوشیدن عبایه (لباس بلند سنتی که از سر تا پا بدن را می‌پوشاند) دیگر برای زنان اجباری نیست. در سال ۲۰۲۱، ساحل «بیور بیج» در شهر جدّه در کناره دریای سرخ افتتاح شد تا به‌عنوان نخستین ساحل عربستان، اجازه پوشیدن بیکیفی برای زنان را بدهد؛ اقدامی که بسیاری آن را نماد آشکار نفوذ فرهنگ فمینیستی و غربی در جامعه اسلامی دانستند.

نقش سازمان ملل و کشورهای غربی

عامل مهم دیگری که پیشرفت اندیشه فمینیستی در سرزمین‌های اسلامی را تشویق و تسریع کرده، حمایت بی‌قید و شرط دولت‌های غربی است. دولت‌های چون ایالات متحده، بریتانیا و آلمان همراه با نهادهای بین‌المللی مانند سازمان ملل از راه برنامه‌های همکاری و توسعه، کوشیده‌اند تا مفاهیم فمینیستی را به درون قلب جهان اسلام وارد کنند.

سازمان ملل برای پشتیبانی از جنبش‌های فمینیستی، مبالغ هنگفتی را هزینه کرده است. در سال ۲۰۲۳ این سازمان بودجه اضافی‌ای معادل ۳۶۰ میلیارد دلار امریکایی در سال به برنامه‌های اختصاص داد که هدف آن‌ها تحقق برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان است. این بودجه به‌عنوان بخشی از برنامه‌های جهانی توسعه پایدار تا سال ۲۰۳۰ تعریف شده است.

اهداف اصلی این طرح در گزارشی با عنوان «پیشرفت در اهداف توسعه پایدار: نگاهی جنسیتی به سال ۲۰۲۳» تشریح شده است؛ گزارشی که به‌صورت مشترک توسط «نهاد زنان سازمان ملل» و «اداره امور اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد» تهیه گردید.

این گزارش درواقع نشان می‌دهد که فمینیسم دیگر صرفاً یک جنبش فرهنگی یا اجتماعی نیست، بلکه به ابزاری رسی در سیاست بین‌الملل و راهبرد نفوذ در جوامع اسلامی تبدیل شده است تا از رهگذر شعارهای چون «برابری جنسیتی» و «توانمندسازی زنان»، ساختارهای دینی، خانوادگی و اخلاقی در این جوامع به‌تدریج دگرگون گردد.

در ماه مارچ سال ۲۰۲۴، سازمان ملل کشور عربستان سعودی را برای ریاست «مجمع حقوق زنان و برابری جنسیتی» در کمیسیون وضعیت زن سازمان ملل برگزید. خبرگزاری رسمی عربستان اعلام کرد که: «کمیسیون وضعیت زن در سازمان ملل، با اجماع اعضای خود تصمیم گرفت عربستان سعودی را برای ریاست دوره شصت‌ونهم کمیسیون در سال ۲۰۲۵ میلادی انتخاب کند». این تصمیم، هرچند با مخالفت‌های گسترده از سوی نهادها و سازمان‌های فعال در زمینه حقوق زنان روبه‌رو شد، اما دولت عربستان بر تمایل خود برای همکاری نزدیک با کمیسیون وضعیت زن سازمان ملل در چارچوب «چشم‌انداز جدید» خود تأکید کرد. خبرگزاری عربستان در توضیح این موضع نوشت: «ریاست عربستان بر کمیسیون، تأییدی است بر تعهد این کشور به همکاری با جامعه جهانی در هر زمینه‌ای که موجب تقویت حقوق زنان و توانمندسازی آنان شود».

همچنین، سازمان‌های غیردولتی مدافع حقوق زن و ترویج‌کننده اندیشه‌های فمینیستی به‌صورت فزاینده‌ای در کشورهای اسلامی گسترش یافته‌اند. در تونس، «مرکز زن عرب برای آموزش و پژوهش (کوثر)» در سال ۱۹۹۳ تأسیس شد. این مرکز در زمینه‌های پژوهش، آموزش، ایجاد شبکه‌های اجتماعی و ترویج گفتمان‌های فمینیستی فعالیت می‌کند. در لبنان، سازمانی با نام «کفی» (کفی عنف واستغلال) پدید آمد که تمرکز آن بر مبارزه با خشونت و بهره‌کشی از زنان است. در مصر، «انجمن توسعه و توانمندسازی زنان» بنیان گذاشته شد که هدف آن افزایش مشارکت زنان در حیات اقتصادی و اجتماعی بر پایه الگوهای غربی است. در اردن نیز از سال ۱۹۷۰ «جمعیت زنان عرب اردن» فعالیت خود را آغاز کرده است و در همکاری نزدیک با نهادهای بین‌المللی، برنامه‌های برای برابری جنسیتی و اصلاح قوانین خانواده اجرا می‌کند. در امارات متحده عربی، «بنیاد دویی برای حمایت از زنان و کودکان» تأسیس شد؛ این نهاد نخستین پناهگاه و مرکز حمایتی غیرانتفاعی رسی در امارات است که وظیفه آن اسکان و مراقبت از زنان و کودکان آسیب‌دیده عنوان شده است.

همچنین ابتکار اسلامی زنان برای معنویت و برابری (وایز) وجود دارد که برای تقویت برابری میان زن و مرد به عنوان یک ارزش اساسی در عقیده اسلامی فعالیت می‌کند، و این بدین معناست که انکار این حقوق، نقض اصول دینی به شمار می‌رود. سازمان وایز در سال ۲۰۰۶ در شهر نیویورک به عنوان شبکه‌ای جهانی با صبغه دینی و به عنوان جنبش عدالت اجتماعی از سوی ۲۰۰ تن از فعالان و رهبران برجسته مسلمان از ۲۵ منطقه تأسیس گردید و سازمان وایز در مصر نیز فعالیت کرده است. این سازمان در پاکستان با همکاری بیداری (Bedari) کارزارهایی برای آگاهی‌بخشی درباره خشونت خانوادگی اجرا کرد و در افغانستان با سازمان آموزشی و توسعه ظرفیت‌ها (NEDCO) همکاری نمود که یک نهاد غیردولتی است و هدف آن آموزش امامان درباره حقوق زنان می‌باشد. در قاره آفریقا، به ویژه در کشور مراکش، انجمن دموکراتیک زنان مراکش (ADFM) شکل گرفت که در زمینه تقویت حقوق و منافع راهبردی زنان، همچنین در زمینه ترویج برابری میان زن و مرد، عدالت جنسیتی و حفاظت از محیط زیست فعالیت می‌کند.

این سازمان‌های غیردولتی برای کاشتن اندیشه‌های فمینیستی در میان زنان و جامعه گسترده‌تر فعالیت می‌کنند، از طریق نشر دیدگاه‌ها در شبکه‌های اجتماعی، وب‌نوشت‌ها، وب‌سایت‌های گوناگون و همچنین برگزاری نشست‌ها و گفت‌وگوهای آزاد به صورت مستقیم یا از طریق تلویزیون و رسانه‌های اینترنتی. بی‌گمان مرجع فکری جنبش فمینیستی در جهان اسلام، حقوق بشر بر پایه دیدگاه تمدن غربی است؛ دیدگاهی که بر این اصل تأکید دارد که هر انسان، چه زن و چه مرد، از حق اساسی در انتخاب و برخورد برابر برخوردار است، و هیچ طرفی، از جمله دین نباید انسان را مجبور یا مرعوب سازد، زیرا پذیرش دین از حقوق انسانی شمرده می‌شود و امری اختیاری است نه التزامی. از این رو فمینیست‌ها آنچه انجام می‌دهند مایه افتخار خود می‌دانند و آن را تلاشی برای بازتفسیر یا بازسازی تعالیم اسلامی معرفی می‌کنند تا از دید آنان حقوق بشر برای زن تأمین گردد، چراکه این فمینیست‌ها گمان می‌برند تعالیم اسلامی آکنده از گرایش‌های جنسیتی است. به باور آنان، علمای بزرگ اسلامی که میراث‌های سترگ علی برای امت پدید آورده‌اند، به سبب روح نظام مردسالارانه‌ای که به زعم آنان در آثارشان وجود دارد، موجب تحریف حقوق زن شده‌اند. از این رو باید این میراث بازسازی گردد تا با حقوق زن سازگار شود. بر پایه همین دیدگاه، لازم است قوانین از نو بازنویسی شوند، از جمله قوانین مربوط به پوشش اسلامی، ارث، حقوق و وظایف همسر، چندهمسری و نیز منع زن از تصدی ریاست دولت. همه اینها به ادعای آنان به سود زن است. با استفاده از روش تأویلی، فمینیست‌ها تأکید می‌کنند که تعالیم دینی امری ذهنی است نه عینی. بدین سان حقیقت دینی از نظر آنان نسبی است نه مطلق.

سازمان ملل: حقوق بشر برای جامعه همجنس‌گرایان

غرب تلاش می‌کند تا زیر پوشش حقوق بشر، فرهنگ جامعه همجنس‌گرایان (LGBTI) را به زور وارد جهان اسلام کند، و سازمان ملل صدای پیشتاز جهان در زمینه توسعه و حمایت از این جامعه به شمار می‌رود. در ماه اکتبر سال ۲۰۱۵، در حاشیه مجمع عمومی سازمان ملل، دوازده نهاد وابسته به این سازمان خواستار پایان دادن به خشونت و تبعیض علیه همجنس‌گرایان زن و مرد، دوجنس‌گرایان، دگرجنس‌گونه‌ها و افراد میان‌جنسی (LGBTI) شدند و مجموعه‌ای از اقدامات لازم برای حمایت از آنان را تعیین کردند. از میان ۱۹۳ کشور عضو سازمان ملل متحد، تنها ۷۶ کشور حقوق جامعه همجنس‌گرایان را نمی‌پذیرند، در حالی که ازدواج همجنس‌ها در ۲۰ کشور قانونی است.

چارلز رادکلیف، رئیس بخش مسائل بین‌المللی در دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل، این تصمیم را «پیروزی بزرگی» توصیف کرد و گفت: «این تصمیم بیانگر تعهد نهادهای سازمان ملل است و دعوتی قاطع از دولت‌های سراسر جهان برای تلاش بیشتر در مقابله با خشونت، ترس از همجنس‌گرایان، تبعیض و نقض حقوق دوجنس‌گرایان و دگرجنس‌گونه‌ها به شمار می‌رود».

سازمان ملل همچنین کشورهای اسلامی را که همچنان به بدنام‌سازی همجنس‌گرایان می‌پردازند، مورد انتقاد قرار داده است. برای نمونه، در سال ۲۰۱۹، این سازمان دولت برونئی را به سبب اجرای مجازات سنگسار برای همجنس‌گرایان محکوم کرد. آنتونیو گوترش، دبیرکل سازمان ملل گفت: «قوانینی که در برونئی به تصویب رسیده‌اند، آشکارا اصولی را نقض می‌کنند که پیش‌تر بر آن‌ها تأکید شده بود». با آن‌که همه کشورهای اسلامی از نظر قانون اساسی فعالیت‌های جامعه همجنس‌گرایان را ممنوع کرده‌اند، حضور این گروه در شماری از این کشورها با نوعی مدارا همراه است.

برای مثال، اندونزی هنوز ازدواج همجنس‌ها، چه زن و چه مرد، و نیز دوجنس‌گرایان و دگرجنس‌گونه‌ها را به رسمیت نمی‌شناسد، اما اعضای این جامعه در رفت‌وآمد آزادند، نشست‌ها و گفت‌وگوها و برنامه‌های تبلیغی خود را به‌طور مکرر برگزار می‌کنند، و هرچند نیروهای امنیتی چندین بار جشن‌های آنان را مورد یورش قرار داده‌اند، هیچ اقدام قانونی جدی علیه متخلفان انجام نشده است. در مصر نیز، به‌گفته‌ی انجمن غیردولتی «الاحباء»، هزاران همجنس‌گرا زندگی می‌کنند و شهر قاهره مقر اصلی بیشترین تعداد اعضا در مقایسه با سایر استان‌هاست، که شمار آنان حدود هفت هزار نفر برآورد می‌شود.

مقابله با خطر

شکی نیست که جنبش فمینیستی و جنبش همجنس‌گرایان با شریعت اسلامی در تعارض‌اند، و افزون بر آن، هر دو زندگی انسانی را در معرض خطر قرار می‌دهند. حقیقت این است که اسلام دروازه‌های خود را در برابر این دو جریان بسته است. در خود ایالات متحده نیز مخالفت والدین با کارزارهای جامعه همجنس‌گرایان در مدارس رو به افزایش است، زیرا بسیاری از نوجوانانی که فریب خورده و تن به جراحی‌های تغییر جنسیت داده‌اند، در نهایت گرفتار افسردگی می‌شوند و از آن‌که تحت تأثیر و ترغیب بزرگسالان به تغییر جنسیت کشانده شده‌اند پشیمان‌اند. شریعت غرای اسلامی رابطه میان مرد و زن را به‌گونه‌ای سامان داده است که هدف آفرینش آن دو محقق گردد. الله سبحانه و تعالی فرموده است:

﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ﴾ [الروم: ۲۱]

ترجمه: و از نشانه‌های او این است که برای شما از جنس خودتان همسرانی آفرید تا نزد آنان آرام‌گیرید و میان شما دوستی و مهربانی نهاد؛ در این نشانه‌ها عبرت‌هایی است برای گروهی که می‌اندیشند.

و نیز الله سبحانه و تعالی فرموده است:

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً ۚ وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ ۚ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا﴾ [النساء: ۱]

ترجمه: ای مردم! از پروردگارتان پروا کنید، آن‌که شما را از یک تن آفرید و از او همسرش را پدید آورد و از آن دو مردان و زنان بسیاری پراکند. و از الهی بترسید که به نام او از یکدیگر درخواست می‌کنید، و از بریدن پیوند خویشاوندی بپرهیزید؛ بی‌گمان الله (سبحانه و تعالی) بر شما نگهبان است.

در حقیقت، جنبش‌های فمینیستی و جنبش‌های جامعه همجنس‌گرایان در سراسر جهان در جهت نابودی ارزش‌های انسانی، روحی و اخلاقی عمل می‌کنند و به نظام اجتماعی، به‌ویژه نهاد خانواده، آسیب می‌زنند. جنبش فمینیستی که ادعا می‌کند برای ارتقای جایگاه زن تلاش می‌کند، در واقع زنان را گرفتار افسردگی بیشتری کرده است؛ بسیاری از زنانی که برای تحقق خود در بیرون از خانه کار می‌کنند با مشکلات فراوانی روبه‌رو هستند: از آزارهای جنسی گرفته تا افسردگی و فروپاشی خانواده.

آیا الله سبحانه و تعالی ما را از این وضعیت هشدار نداده است؟ زمانی که انسان از فرمان‌ها و نهی‌های پروردگار سرپیچی کند، به دام نابودی‌ای می‌افتد که خود آن را ساخته است. الله سبحانه و تعالی فرموده است:

﴿ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ﴾ [الروم: ۴۱]

ترجمه: تباهی در خشکی و دریا به سبب آنچه دست‌های مردم به‌دست آورده‌اند آشکار شد، تا خدا به آنان بچشاند بخشی از آنچه کرده‌اند، شاید بازگردند.

در ادامه، شماری از خطرهای که در نتیجه کارزارهای فمینیستی و جنبش جامعه همجنس‌گرایان در سراسر جهان، جامعه و زنان را تهدید می‌کند، بیان می‌شود.

• ویران سازی نظام خانواده

جنبش فمینیستی و جامعه همجنس‌گرایان باعث از میان رفتن هماهنگی و آرامش خانوادگی در جامعه شده‌اند. بسیاری از زنان امروز چنین می‌پندارند که جایگاه‌شان به عنوان همسر نباید محدود یا زیر سلطه شوهرانشان باشد. همچنین گروهی از زنان بر این باورند که در اداره خانواده، از جمله در کسب معاش، همان حقوقی را دارند که مردان دارند. شمار قابل توجهی از زنان نیز بارداری، شیردهی و تربیت فرزندان را نه وظیفه‌ای طبیعی بلکه صرفاً حقی شخصی برای خود می‌دانند، که می‌توانند از آن چشم‌پوشند.

این نگرش‌ها سبب بروز کشمکش‌های فراوان در درون خانواده‌ها شده است. از سوی دیگر، همین وضعیت موجب گردیده است که بسیاری از زنان پیش از ازدواج چند بار در تصمیم خود تجدیدنظر کنند، زیرا نگران‌اند که نتوانند به آن‌گونه که تصور فمینیستی اقتضا می‌کند، حقوق و خواسته‌های خویش را تحقق بخشند.

• کاهش نرخ ازدواج و زاد و ولد

در بسیاری از کشورها نرخ ازدواج به‌طور چشمگیری کاهش یافته است. در اندونزی، میزان ازدواج در سال ۲۰۲۳ به شدت پایین آمد و تنها به حدود ۱,۵۷ میلیون مورد رسید، در حالی که در سال ۲۰۲۲ این رقم ۱,۷ میلیون بود و نرخ ازدواج در سال ۲۰۲۳ پایین‌ترین میزان از سال ۱۹۹۸ به‌شمار می‌رفت. فراتر از عوامل اقتصادی، بسیاری از مردان و زنان ازدواج را به تأخیر می‌اندازند یا اساساً از آن سر باز می‌زنند. به باور آنان، ازدواج امری ضروری نیست، بلکه ممکن است مانعی در مسیر تحصیل، پیشرفت شغلی و تحقق فردی باشد. نکته تأسفبار آن است که در مقابل کاهش ازدواج، شمار روابط نامشروع رو به افزایش است. هزاران دانشجوی اندونزیایی به دلیل ازدواج، تقاضای معافیت از ادامه تحصیل کرده‌اند، و علت اصلی این امر وجود روابط جنسی خارج از چارچوب ازدواج و حتی بارداری‌های ناخواسته است. این وضعیت افزون بر گسترش پدیده سقط جنین، موجب افزایش بیماری‌های مقاربتی نیز شده است.

• تنش و آزار جنسی در میان زنان شاغل

جنبش فمینیستی که بسیاری از زنان را به فعالیت بیرون از خانه تشویق کرده است، در واقع تهدیدهای جدی برای خود زنان شاغل پدید آورده است. بر پایه گزارش مؤسسه «گالوپ» در سال ۲۰۲۱، میزان تنش در محیط کار بر زنان بیش از مردان تأثیر می‌گذارد و به ۵۴ درصد رسیده است. در همین حال، طبق نظرسنجی‌ای که توسط شبکه خبری PBS NewsHour، رادیوی ملی آمریکا (NPR) و مؤسسه Marist انجام شد، یک‌سوم زنان اعلام کرده‌اند که در محل کار خود مورد آزار جنسی قرار گرفته‌اند. همچنین بر اساس یک بررسی آنلاین که در جنوری ۲۰۲۱ از سوی سازمان غیردولتی غیرانتفاعی Stop Street Harassment انجام شد، ۸۱ درصد از زنان گفته‌اند که در محیط کارشان قربانی آزار جنسی بوده‌اند.

• گسترش بیماری‌های مقاربتی و سرطان مقعد

با آن‌که بسیاری این واقعیت را انکار می‌کنند، اما همجنس‌گرایان نمی‌توانند منکر شوند که شیوع ویروس نقص ایمنی انسانی (HIV/AIDS) از درون دایره آنان آغاز شد. در ایالات متحده، آمارها نشان می‌دهد که ۶۷ درصد از کل موارد شناسایی‌شده ابتلا به ویروس HIV/AIDS در میان همجنس‌گرایان مرد، دوجنس‌گرایان و مردانی بوده است که با مردان دیگر رابطه جنسی داشته‌اند. افزون بر این، همجنس‌گرایان در معرض خطر ابتلا به سرطان مقعد با احتمالی میان ۲۰ تا ۸۰ برابر بیش از سایر افراد قرار دارند.

از کشفیات تازه و تکان‌دهنده در زمینه انتقال بیماری آبله میمون این است که این بیماری عمدتاً در میان کسانی مشاهده می‌شود که روابط همجنس‌گرایانه دارند. طبق گزارش سازمان جهانی بهداشت، از میان پنصد مورد ثبت‌شده، ۹۸ درصد از مبتلایان افرادی بودند که روابط جنسی همجنس‌گرایانه، دوجنس‌گرایانه یا رابطه با مردانی داشته‌اند که با مردان دیگر رابطه جنسی برقرار می‌کنند.

پاسخ به مشکلات

اکنون زمان آن فرا رسیده که امت اسلامی خطر جنبش فمینیستی و جنبش همجنس‌گرایان را به‌طور جدی درک کند؛ این دو جریان آشکارا با تعالیم اسلام در تضادند و به زندگی مسلمانان و بلکه به کل بشریت آسیب می‌رسانند. همه نظریه‌ها و کارزارهای آنان در باب «حقوق بشر»، چه درباره فمینیسم و چه درباره جامعه همجنس‌گرایان، سخنان پوچ و مسمومی هستند که هیچ خیری برای زنان، برای خانواده و برای انسانیت در بر ندارند.

هیچ ایدئولوژی دیگری جز اسلام توان رویارویی با فساد این دو حرکت را ندارد؛ تنها اسلام است که دیدگاه درست نسبت به زندگی را داراست و برای بشریت نظامی هماهنگ و متعادل به ارمغان می‌آورد، زیرا همه چیز در آن بر پایه عقیده اسلامی بنا شده است؛ عقیده‌ای که با فطرت انسان سازگار است و عقل را قانع و دل را آرام می‌سازد.

گام ضروری امروز برای امت آن است که اسلام را به‌عنوان نظامی کامل و فراگیر برای زندگی گسترش دهد، و از جمله روشن سازد که رابطه میان مرد و زن در اسلام نه بر پایه نظام مردسالار و نه بر محور زن‌ستیزی است، بلکه زندگی زن و مرد بر ایمان و تقوا استوار است، چنان‌که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود:

«اتَّقُوا اللَّهَ فِي النِّسَاءِ» (رواه مسلم)

ترجمه: از الله (سبحانه و تعالی) درباره زنان پروا کنید.

اسلام، زن را «ناموس» می‌داند که بر مرد، جامعه و دولت واجب است آن را پاسداری و صیانت کنند. الله سبحانه و تعالی به مردان فرمان داده است که با همسران خویش به نیکی رفتار کنند، چنان‌که می‌فرماید:

﴿وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ﴾ [النساء: ۱۹]

ترجمه: و با آنان به نیکی معاشرت کنید.

علاوه بر این، بر مسلمانان لازم است که احکام اسلامی مربوط به روابط با زنان را به‌درستی و به‌طور کامل درک کنند؛ خواه این رابطه با مادر باشد، یا همسر، یا خواهر، یا دختر، و یا زن به‌طور عام، زیرا اسلام رهنمودهای برای زندگی آورده است که در آن زن گرامی داشته شده و از او حمایت می‌شود. همچنین باید دانست که در پیشگاه الله سبحانه و تعالی، مرد و زن در تکلیف و ارزش انسانی برابرند. بسیاری از احکام اسلامی میان مرد و زن در تکلیف تفاوتی نمی‌گذارند، مانند وجوب نماز، روزه، طلب علم، و دعوت به دین و غیره....

اما در اموری که به طبیعت و نقش خاص هر یک از آن دو مربوط می‌شود، اسلام احکامی ویژه و حکیمانه وضع کرده است. برای نمونه، نفقه خانواده بر عهده مرد است نه زن و نیز اسلام به زن به‌عنوان مادری گرامی و مدیر خانه نگریسته و به او وظیفه طبیعی پس از بارداری و زایمان، یعنی شیر دادن و پرورش فرزند را سپرده است.

همچنین بر امت لازم است درک کند که اسلام نیازی به بازسازی یا بازنگری در تعالیم خود ندارد، نه در عقیده و نه در شریعت، زیرا دینی است کامل و جامع. وضعیت نابسامانی که امروز زنان در آن به سر می‌برند، نتیجه اجرای احکام اسلامی نیست، بلکه برخاسته از انحرافات است که اسلام هرگز آن را نمی‌پذیرد. محروم‌سازی زن از مشارکت در عرصه‌های عمومی، مانند بازارها، پوهنتون‌ها و مکاتب و مدارس، دیدگاهی نادرست و ناسازگار با اسلام است. در حقیقت، زنان در زمان رسول الله صلی الله علیه وسلم حضور نظام‌مند و منضبط در کنار مردان داشتند، اما بر پایه شرایط متفاوت با آنچه امروز در جوامع لیبرال غربی رواج دارد.

همچنین ضروری است که امت، همه توطئه‌های را که از سوی غرب و ابزارهای آن مانند سازمان ملل، نهادهای غیردولتی گوناگون و حاکمان مزدور در جریان است، به‌روشنی دریابد. اینان با سیاست‌های که هیچ‌گونه حمایتی از زن به‌همراه ندارد، عملاً نظام زندگی امت را نابود می‌کنند و در

همکاری با یکدیگر می‌کوشند تا از راه مهندسی اجتماعی، ساختار جامعه اسلامی را از درون فرو ریزند؛ نخست در سطح خانواده و سپس در سطح فرد، از طریق برنامه‌های موسوم به «برابری جنسیتی» و اعطای حقوق به اعضای جامعه همجنس‌گرایان.

مهم‌تر از همه، امت باید دریابد که فساد گسترده‌ای که امروز دامن‌گیر مسلمانان، از جمله زنان شده است. نتیجه نبود زندگی اسلامی و نابودی نظام زندگی برآمده از شریعت، به دست مزدوران غرب در جهان اسلام است و در نتیجه، تباهی در پی تباهی پدید آمده است. افسوس که برخی از مسلمانان نیز به پیروی از روش و سبک زندگی کافران روی آورده‌اند، چنان‌که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود:

«لَتَتَّبِعَنَّ سَنَ الْذِّينَ مِنْ قَبْلِكُمْ شَبْرًا بِشَبْرٍ وَذِرَاعًا بِذِرَاعٍ، حَتَّى لَوْ دَخَلُوا فِي جُحْرِ ضَبٍّ لَاتَّبَعْتُمُوهُمْ قُلْنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ الْيَهُودُ وَالنَّصَارَى قَالَ فَمَنْ» (رواه مسلم)

ترجمه: بی‌گمان شما سنت‌ها و روش‌های کسانی را که پیش از شما بودند گام به گام پیروی خواهید کرد، یک ذرع به یک ذرع و یک بند به یک بند؛ تا آن‌جا که اگر آنان در لانه مارمولکی پنهان شوند، شما نیز آنان را دنبال خواهید کرد. گفتیم: ای رسول الله صلی الله علیه وسلم! آیا مقصود یهود و نصاری هستند؟ فرمودند: پس دیگر چه کسانی؟

همچنین باید آگاه ساخت که کارزارهای به اصطلاح «حقوق بشر» در زمینه فمینیسم و جامعه همجنس‌گرایان جز باوه‌گویی چیزی نیستند؛ زیرا فمینیست‌ها در حالی که خود را مدافع حقوق زنان و کودکان می‌دانند، در برابر نسل‌کشی و قتل عام کودکان و زنان در غزه خاموش مانده‌اند. این دو گروه، زنان و کودکان بزرگ‌ترین قربانیان وحشی‌گری نظامی رژیم یهود بوده‌اند. با این همه، فمینیست‌های که ادعای حمایت از آنان را دارند، سکوت را برگزیده‌اند. این همان نفاق آشکاری است که چهره واقعی این جنبش را برملا می‌سازد.

افزون بر این، مردم باید درک کنند که آنان به دولت خلافت نیاز دارند، زیرا خلافت همان نظام اجرایی برای تحقق زندگی اسلامی است؛ همه احکام اسلام تنها در سایه دولت خلافت قابلیت اجرا دارند، از جمله این‌که همین خلافت است که احکامی را به اجرا درمی‌آورد که زن را حمایت می‌کند و علیه کسانی که در حق او مرتکب جرم می‌شوند. حتی اگر پدر، شوهر یا پسرش باشند. اقدام می‌نماید.

پس از الله سبحانه و تعالی مسألت می‌کنیم که ما را در ادامه مسیر جهاد و کوشش برای برافراشتن کلمه او یاری رساند تا زندگی اسلامی با برپایی دولت خلافت تحقق یابد؛ دولتی که مردمان را حمایت کند و امنیت را در میان همه مردم از جمله زنان برقرار سازد. رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود:

«إِنَّمَا الْإِمَامُ جُنَّةٌ يُقَاتِلُ مِنْ وَرَائِهِ وَيُتَّقَى بِهِ، فَإِنْ أَمَرَ بِتَقْوَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَعَدَلَ كَانَ لَهُ بِذَلِكَ أَجْرٌ، وَإِنْ أَمَرَ بِغَيْرِهِ كَانَ عَلَيْهِ مِنْهُ» (رواه مسلم)

ترجمه: به راستی امام، سپری است که از پشت سر او جنگیده می‌شود و مردم به او پناه می‌برند؛ پس اگر به تقوای الله (سبحانه و تعالی) فرمان دهد و دادگر باشد، از این کار پاداش دارد، و اگر به غیر آن فرمان دهد، گناهِش برگردن اوست.